

## روح القدس و کار او

### درس ۲: روح القدس در عهد جدید

دکتر آر. سی. اسپرول

یکی از زیباترین تصاویری که در عهدعتیق از خدا می‌یابیم، نه تنها در کار او در خلقت جهان، بلکه در روایت خلقت بشره، که به ما گفته شده، خدا خاک زمین رو برداشت، شکل داد و مثل یک مجسمه ساز اونو شکل داد، اما وقتی خدا انسان رو خلق می‌کنه، فقط یک مجسمه‌ی بی‌حرکت یا بت یا تمثال یا یک تکه مجسمه‌ی خالی خلق نمی‌کنه، چنانکه یک هنرمند شاید بتونه در زمان ما با نوآرایی سنگ یا خاک این کار رو بکنه.

اما وقتی خدا کار شکل دهی و ساخت این پیکر خاکی رو تموم می‌کنه، با فروتنی و لطف خم میشه و بر این شکل بی‌حرکت و بی‌جان که از زمین ساخته، می‌دمه و به ما گفته شده که انسان "روآخ" زنده شد، یک روح زنده. و در این روایت خلقت نژاد بشر می‌بینیم که خدا بر این گل، حیات خودش رو دمید.

معلومه که یکی از بزرگترین رازهایی که در علم و فلسفه باهاش مواجه می‌شیم، و در دوره‌ی هزار ساله باهاش مواجه شدیم، راز حیاته. ولی از دیدگاه کتاب مقدسی، ما اون رو نهایتاً از منبع قدرت، منبع یا اصل حیات که خدای روح‌القدس می‌دونیم.

به یاد دارید که پولس تعلیم میده در خدا زندگی و حرکت و وجود داریم. پس از یک طرف، خانم‌ها و آقایان، هر کسی در دنیا، روح‌القدس رو داره، نه از لحاظ فدیة شدن (از لحاظ نجات بخشی)، بلکه فقط از لحاظ زیست‌شناختی، چون او نویسنده و قدرت‌بخش حیاته.

پس یک کافر نمی‌تونه حتی بدون قدرت روح‌القدس نفس بکشه. پس روح القدس، حیات رو به همه‌ی آشکالش تولید و تقویت می‌کنه. می‌تونید بگید که او حیات دهنده یا قدرت دهنده برای پیدایشه. و اگرچه کتاب مقدس به طور منحصر به فرد و معجزه آسا درباره‌ی مسیح صحبت می‌کنه که در رجم مریم با قدرت روح‌القدس آستن شد، اما به طور گسترده‌تر و کلی، هیچ کس در رجم جز به قدرت روح‌القدس آستن نمیشه، چون دوباره، او منبع قدرت برای حیاته.

و برای من جالبه که هم در عبری و هم در یونانی، بازی با کلمات رو درباره‌ی مفهوم روح می‌بینیم، چون کلمه‌ای که در عبری برای روح بکار رفته، همون کلمه‌ای هست که برای باد و نفس بکار رفته. و در عهد جدید وقتی به یونانی نگاه می‌کنیم، کلمه‌ی یونانی "پنیوما" که در انگلیسی برای ابزارهای بادی، ابزارهای که با فشار هوا کار می‌کنند، و غیره بکار می‌بریم، کلمه‌ی "پنیوما" در عهد جدید هم می‌تونه باد یا نفس یا روح ترجمه بشه.

و دوباره این ارتباط نزدیک بین روح خدا و دم حیات رو داریم که نمی‌خوایم نادیده بگیریم. اما به نظر در عهدجدید، نگرانی اصلی در مورد رابطه‌ی خدای روح‌القدس با حیات، خیلی در اشاره به خلقت اولیه‌ی حیات یا نگهداری کلی حیات با قدرت خدا نیست، بلکه از طریق انرژی خلاقانه لازم برای حیات روحانی، حیات جدید، برای حیاتی هست که مسیح به خاطرش اومد، یادتونه مسیح گفت: «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادت‌تر حاصل کنند.»

خُب، اونجا مسیح درباره‌ی چیزی صحبت نمی‌کنه که ما در یونانی "بیاس" می‌نامیم، که کلمه‌ای برای حیات یا موجودات زنده در دنیای زیست‌شناسیه، بلکه از کلمه‌ی "زونی" استفاده می‌کنه، که در انگلیسی بکار رفته و دوباره وارد انگلیسی شده و برای جانورشناسی بکار میره، اما اینجا عیسی از اون برای اشاره به خصوصیت مشخص یا یک نوع حیات استفاده می‌کنه، حیات روحانی زنده‌ای که فقط خدا می‌تونه به انسان‌هایی بده که از لحاظ روحانی مُردند.

یادتونه عیسی گفت: «من آمدم تا شما حیات یابید.» حالا، او کجا این رو موعظه کرد؟ در قبرستان؟ او به قبرستان نرفت که بگه: «همگی به من گوش کنید. من اومدم که شما حیات یابید.» اونوقت شما فکر می‌کردید این به کسانی اشاره می‌کنه که مُردند.

خُب، او درباره‌ی حیات زیستی صحبت نمی‌کرد؛ بنابراین به کسانی اشاره نمی‌کرد که از لحاظ زیست‌شناسی مُردند. او به کسانی اشاره می‌کرد که از لحاظ زیست‌شناسی زنده بودند و از لحاظ روحانی مُردند.

پس او به کسی که زنده هست، از این لحاظ که علایم حیاتی، عملکرد و غیره رو داره، ولی نسبت به امور خدا مُرده، می‌گه: «من آمدم تا شما حیات یابید و آن را زیادت‌تر حاصل کنید.» حالا، البته که مسیح به عنوان فدیة کننده میاد تا به ما حیات بده. شخص تثلیث که عمل فدیة‌ی مسیح رو در زندگی‌مون بکار می‌بره، روح‌القدسه. پس وقتی به کار تثلیث نگاه می‌کنیم، خدا خلق می‌کنه، خدا نقشه‌ی فدیة رو آغاز می‌کنه؛ مسیح همه‌ی کارهای لازم رو برای فدیة‌ی ما انجام میده و بعد این خدمت بیرونی مسیح، از طریق کاربردش توسط خدای روح‌القدس در درونمون، از آن ما میشه.

و یکی از کارهای اصلی که توسط اون، این در عهدجدید اتفاق می‌فته، پیدایش جدید، اعطای حیات جدید به جان‌های مُرده و چیزی که در الهیات «تولد تازه» می‌نامیم. تولد تازه، عمل کرد خدای روح‌القدسه، و در عهدجدید بر اون تأکید زیادی شده. دوباره در عهدعتیق، روح رو دیدیم و اولین جاییکه با او ملاقات کردیم، کجا بود؟

در کدوم کتاب بود؟ در پیدایش. و پیدایش، گزارش نسل اصلی جهان و نسل نژاد بشر بود. خُب. وقتی درباره‌ی تولد دوباره صحبت می‌کنیم، این پیشوند کوچیک «آر. ای» رو در انگلیسی در مقابل یک کلمه می‌گذاریم، این

یعنی چی؟ یعنی "دوباره". این یک چیز ثانوی جدید یا تکرار مجدد یک چیز اصلی رو اعلام می‌کنه. من می‌تونم خونه رو رنگ کنم و بعد دوباره خونه رو رنگ کنم.

قبل از اینکه بتونم خونه رو دوباره رنگ کنم، باید حداقل یکبار در ابتدا اونو رنگ کرده باشم. درسته؟ پس وقتی درباره‌ی تولد دوباره صحبت می‌کنید، این فقط زمانی معنی می‌ده که نوعی پیدایش یا تولد قبلی رو داشته باشید. و شکل قبلی پیدایش که کتاب مقدس در عهدجدید در نظر داره، تولد زمینی شماسه، تولد زیست شناختی شماسه.

اما به یاد داشته باشید که وقتی در این دنیا متولد می‌شید، مُرده وارد می‌شید؛ شما در هنگام ورود، از لحاظ روحانی مُردید. شاید از لحاظ زیست شناختی بسیار سالم باشید، اما در جایگاه فساد و سقوطی متولد شدید که قبلاً بررسی کردیم. حالا وقتی به عهدجدید می‌رسیم، به نامهی پولس به افسسیان می‌پردازیم.

و پولس باب دوم افسسیان رو با این کلمات شروع می‌کنه: «و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید، که در آنها قبل، رفتار می‌کردید برحسب دوره این جهان.» حالا به کاربرد استعاری کلمه‌ی مُرده در اینجا توجه کنید، چون پولس درباره‌ی رفتار کردن در جهان صحبت می‌کنه.

او درباره‌ی اجساد متحرکی صحبت می‌کنه که حرکت می‌کنند، مُرده‌ی متحرک. «شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید، که در آنها قبل، رفتار می‌کردید.» حالا البته می‌بینید که اینجا چی می‌گه. هرچند شما مُرده بودید، اما همچنان حرکت می‌کردید، چون مرگی که بهش اشاره می‌کنه، مرگ روحانیه. «که در آنها قبل، رفتار می‌کردید برحسب دوره این جهان بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می‌کنه. که در میان ایشان، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می‌کردیم و هوس‌های جسمانی و افکار خود را به عمل می‌آوردیم و طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران.»

باید یک دقیقه صبر کنیم و بشنویم که این رسول چی می‌گه. چون تعلیم پولس در این متن، آشکارا، در برخورد با دیدگاه معروف رابطه‌ی بین خدا و انسان‌هاست که رسانه‌ها رو اشباع می‌کنه و به جامعه و حتی کلیساهامون نفوذ می‌کنه، و اون هم این ایده هست که همه‌ی ما ذاتاً فرزندان خداییم و همه‌ی ما به عنوان عضوی از خانواده‌ی خدا در این دنیا زندگی رو شروع می‌کنیم و مسیحی بزرگ می‌شیم. خانم‌ها و آقایان، هیچ کس، هیچ کس در این دنیا مسیحی متولد نمی‌شه.

شما می‌تونید در دیندارترین خانواده‌ی جهان متولد بشید، اما مسیحی متولد نخواهید شد. به عنوان فرزند خدا متولد نخواهید شد، بلکه به عنوان فرزند غضب متولد خواهید شد.

ذاتاً از خدا بیگانه خواهید بود، در خصومت با خدا، مُرده در گناهتان و خطایاتان. این جایگاه طبیعی شماسه؛ این موقعیت طبیعی شما در نتیجه‌ی تولد زیست شناختی شماسه، چون وقتی متولد میشید، هنوز در جسم هستید.

و اینجا وقتی عهد جدید، جسم رو با روح مقایسه می‌کنه، یعنی شما در امور خدا مُردید. و تنها راهی که می‌تونید مسیحی بشید، از طریق عمل روح‌القدس که پولس اینجا در موردش صحبت می‌کنه که شما رو احیا یا زنده می‌کنه. ترجمه‌ی قدیمی‌تر این بود: «او شما را احیا می‌کند.» حالا ما به ندرت از کلمه‌ی احیا کردن در این رابطه استفاده می‌کنیم.

ما [در زبان انگلیسی] در کاربرد باستانی اعتقادنامه‌ی رسولان این کار رو می‌کنیم که می‌گیم: «من ایمان دارم که مسیح بازمی‌گردد تا مردگان و زندگان را داوری کند.» می‌دونید، وقتی من کوچیک بودم، فکر می‌کردم عیسی کسانی رو داوری می‌کنه که با سرعت از او فرار می‌کنند؛ اونها کسانی هستند که با سرعت حرکت می‌کنند.

اما زندگان و مردگان به چی اشاره می‌کنه؟ به جانداران و مردگان. طریق دیگه‌ای که از اصطلاح زندگان یا زنده کردن در زبان عمومی‌مون استفاده می‌کنیم، از لحاظ دوران بارداری در حاملگی زن هست، لحظه‌ای که در طول دوران نه ماه، زن برای اولین بار، حضور و حرکت واقعی نوزاد رو در شکمش احساس می‌کنه و به اون چی می‌گه؟ جان گرفتن. او حیات نوزاد رو احساس کرده. حالا البته آماده‌ایم که این کلمه رو در رابطه با بارداری کنار بذاریم، چون در این فرهنگ نمی‌خوایم مردم فکر کنند که نوزادان متولد نشده، زنده‌اند. اما به هر حال، پولس می‌گه: «شما را احیا کرد، یا شما را زنده گردانید.» او درباره‌ی تولد دوباره صحبت می‌کنه که روح‌القدس مردگان رو زنده می‌کنه.

این رستاخیز روح انسان از مرگ روحانیه. حالا الان این نکته رو توضیح میدم، چون دوباره متوجه میشم که حرف‌های من با حرف‌های فرهنگ برخورد می‌کنه و موضوع تعجب‌آور یا متحیرکننده برای من اینه که شاید این برای کسانی که در کلیسا هستند، مثل افراد خارج از کلیسا، خیلی تعجب‌آور باشه، اما من خیالم راحت‌تره که اولین کسی نیستم که این ایده رو به وضوح بیان می‌کنم که به نوعی باید بگم دردم به خاطر عدم درک اون توسط مردم بیشتر شده.

چون ما این رو در مواجهه با عهد جدید می‌بینیم، وقتی عیسی با نیکودیموس گفتگو می‌کنه. یادتونه در یوحنا ۳ به ما گفتند که این فریسی، این حاکم یهودی، در شب نزد عیسی اومد و با انواع تملق گفت: "ای استاد نیکو" می‌دونی، "می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای زیرا هیچکس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی بنماید."

این یک داوری صحیحه. او اینهمه از عیسی تعریف می‌کنه و عیسی به طرف این مرد برگشته و بی‌پرده می‌گه: "اگر کسی از سر نومولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید." در ادامه می‌گه: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.» این چیزیه که عیسی به طور غیرمنتظره به این عضو سنهدرین، این فریسی، این حاکم یهودی اعلام کرد.

حالا پاسخ این فریسی به اعلان عیسی چیه؟ او الهیدانه. فکر می‌کنه این مضحک‌ترین چیزیه که تا حالا شنیده و پاسخ احمقانه‌ای به عیسی میده: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟» عجیبه که عیسی او رو نکشت، وقتی او با بدگمانی با خداوندمان صحبت کرد.

و عیسی گفت: نيقوديموس، «آیا تو والی یهودیان هستی و این چیزها را درک نمی‌کنی؟ آیا هرگز عهدعتیق را خواندی؟» می‌بینید، این خیلی مهمه که اینجا عیسی ایده‌ی جدیدی رو معرفی نمی‌کنه. عیسی نمی‌گفت مردم عهدعتیق می‌تونستند بدون تولد دوباره نجات بیابند، و حالا در عهدجدید، یک‌دفعه باید تولد دوباره بیابند تا نجات یابند.

نه، داوود باید از روح‌القدس متولد میشد؛ ابراهیم باید از روح‌القدس متولد میشد. همه‌ی کسانی که تا حالا فدییه شدند، باید از روح خدا متولد می‌شدند تا از مرگ روحانی و جسم‌رهایی یابند. پس تولد تازه، شرط قطعی و لازم برای نجاته.

شما نمی‌تونید بدون اون نجات یابید. و من همیشه متحیر میشم که می‌شنوم مردم درباره‌ی «مسیحیان تولد تازه یافته» صحبت می‌کنند. این عبارت رو شنیدید؟ من می‌خوام به مردم بگم: «خُب، آیا شما لکنت دارید؟» همین‌طور- چرا ما درباره‌ی مسیحیان تولد تازه یافته صحبت می‌کنیم؟ چه نوع مسیحیان دیگه‌ای داریم؟ آیا می‌تونید مسیحی تولد دوباره نیافته باشید، یا غیرمسیحی که از لحاظ روحانی تولد دوباره یافته؟»

نه، تولد دوباره یافتن، اگه تولد دوباره یافتن بر اساس کلام عیسی، پیش نیاز قطعی برای دیدن ملکوت خداست، چه رسد به ورود به ملکوت خدا، پس چطور می‌تونید کسی رو داشته باشید که اینو نداره و وارد ملکوت بشه؟ خُب، بر اساس کلام عیسی، مسیحی تولد دوباره نیافته وجود نداره. این برای عیسی یک اصطلاح بی‌معنی هست.

ولی یک اصطلاح قابل توجه هست، چون دلیل اینکه مردم امروز اینو استفاده می‌کنند، به خاطر اینه که ما یک نوع مذهبی داریم که ادعا می‌کنه مسیحیه، و میگه: «شما نباید تولد تازه داشته باشید تا فدییه شده یا نجات یابید.» این مسیحیت نیست. پس به هر حال، این یکی از نقش‌های اصلی روح خدا در عهدجدید و عهدعتیق. او احیا کننده هست. او پیدایش جدیدی رو خلق می‌کنه، که به ما تولد روحانی میده. اما موضوع زیبا اینه که نه تنها روح‌القدس ما رو در نقشه‌ی نجات از نو متولد می‌کنه، بلکه پرورش دهنده‌ی اصلی مسیحیانه.

چون در جای دیگه‌ای که می‌بینیم به روح‌القدس در عهدجدید توجه زیادی شده، در رابطه با تقدیس ماست، در مورد چیزیه که ما ساخته می‌شیم و شکل می‌گیریم و مطابق تصویر مسیح ساخته می‌شیم، و به سوی بلوغ در مسیح رشد می‌کنیم. این فرایند، فرایند تقدیس نامیده شده.

بعداً به طور جداگانه به اون خواهیم پرداخت، اما فقط از لحاظ خدمت روح القدس، بیایید به یاد داشته باشیم که در کاربرد فدییه، نه تنها روح، ما رو برای ایمان و حیات روحانی احیا می‌کنه تا عادل شمرده بشیم، بلکه او کسانی رو که از مرگ روحانی زنده کرده، در سراسر زندگیشون تقویت می‌کنه، رهبری می‌کنه، بر اونها تأثیر می‌گذاره، در درونشون کار می‌کنه تا شخصیتشون رو واقعاً از گناهکار به قدیس تبدیل کنه.

من همیشه متعجبم که مثلاً چرا روح القدس، روح القدس نامیده شده؟ منظورم اینه که در کتاب مقدس، پدر، قدوسه؛ پسر، آن قدوسه؛ ولی به روح، این عنوان دقیقاً قبل از اسمش اعطا شده. ما نمی‌گیم: «پدر قدوس عزیز، پسر قدوس عزیز، روح قدوس عزیز،» یا "به نام پدر قدوس، به نام پسر قدوس و به نام روح قدوس."

ما می‌گیم: "به نام پدر و پسر و روح القدس." ولی به وضوح می‌دونیم که این صفت قدوسیت به طور مساوی به پدر، پسر و روح القدس تعلق داره. پس چرا فقط روح رو قدوس خطاب می‌کنیم؟ خُب، معلومه، به خاطر این نیست که او تنها عضو قدوس در اولوهیته. اما چرا؟ به خاطر خدمتش.

به خاطر عملکرد متمرکزش در نقشه‌ی فدییه. خدا او رو فرستاده تا ما رو مقدس بسازه. این کار روح القدس که قدوسیت رو ایجاد کنه. پس ما اونو در مراحل مختلف می‌بینیم، با تولد دوباره‌ی ما شروع میشه، بعد در کل زندگیمون در فرایند تقدیس تا زمانیکه تقدیس به اوج نهایی میرسه، به نقطه‌ی اوجش در آسمان می‌رسه که اون موقع جلال یافتن رو تجربه می‌کنیم.

و این توسط روح القدس انجام میشه. پس روح القدس برای تغییر شخصیت ما پیش قدم میشه. در طول زندگیمون، اون رو پرورش میده. در نهایت در تکمیل فدییه‌ی ما در آسمان تمومش می‌کنه. پس یکی از چیزهای جالب در مشاهده‌ی خدمت روح القدس، اینه که این جوانب مختلفی داره. او در خلقت اولیه حضور داره. قدرت خلقت مجدد. در حیات بخشی اولیه حضور داره.

در احیای حیات روحانی حضور داره. در تقدیس حضور داره. در جلال یافتن حضور داره. دیگه چی کار می‌کنه؟ ما دیدیم که در عهدعتیق به مردم قدرت می‌بخشه. الهام بخش کتب مقدسه.

روح القدس، تکلیف الهام بخشی مطالب کتاب مقدس رو برعهده داره. اما نه تنها گزارش اولیه‌ی کتاب مقدس رو الهام بخشید، بلکه اون رو روشن هم می‌کنه. پولس در اول قرن‌تیا به ما می‌گه: «امور خدا را هیچکس ندانسته است، جز روح خدا.» پس روح القدس با نورافشانی بر ذهن تاریکمون به ما کمک می‌کنه که کتاب مقدس رو درک کنیم، و به ما کمک می‌کنه که مطالب موجود در متن رو ببینیم. او معلم برتر ما برای حقیقت خداست، به عنوان کسی که روشن‌کننده هست. او ما رو به گناه و عدالت ملزم می‌کنه. او شفیع ماست، یاور ماست که مسیح وعده داد به کلیسایش عطا کنه. و در جلسه‌ی بعدی مون اهمیت اینو بررسی خواهیم کرد.